

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۴ اپریل ۲۰۱۸

بشریت در آستانه نابودی کامل

۱

در چند روز اخیر اخبار جهانی عمدتاً در اطراف حملات احتمالی امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکاء به خصوص فرانسه، انگلستان، اسرائیل، عربستان سعودی و احتمالاً قطر و امارات بر سوریه به اتهام استفاده از گاز کیمیائی توسط دولت اسد علیه بخشی از القاعده تغییر نام یافته و عکس العمل شدید روسیه تا سطح آمادگی نظامی درجه یک به وسیله آن کشور به خود اختصاص داده است. در اینجا می گویم تا برداشت خود را از مجموع روند قضایا خدمت خوانندگان نهایت عزیز پورتال تقدیم دارم، امید است در قسمت کمبود و اصلاح اشتباهات احتمالی، کمک شان را از من دریغ نمایند.

به مثابه آغاز بحث و برای آن که متهم به حمایت از دولت اسد نگردم، باید با صراحت بنگارم که تحلیل از وضعیت کنونی به هیچ صورت به معنای حمایت از دولت اسد نبوده، بلکه افشای مداخلات امپریالیزم جنایتگستر و شرکاء به خصوص فرانسه است. این کشورها بعد از خیزش مردم سوریه تحت تأثیر به اصطلاح "بهار عربی"، حرکت و خیزش بحق، آزادیخواهانه و دموکراتیک مردم سوریه را از وسط راه ربوده با تحمیل شعارها و صدور هزاران دست پرورده و جاسوس شان در بین مردم خواستند، آخرین فرد باقی مانده از سه دشمن اسرائیل یعنی "اسد" را به تعقیب "صدام حسین" و "قذافی" نیز از میان برداشته با تجزیه سوریه ضمن عملی نمودن پلان "خاورمیانه بزرگ"، سوریه را نیز برای همیشه از میان بردارند.

این دخالت امپریالیستها، گذشته از آن که میلیونها تن از مردم سوریه را که خواهان برکناری "اسد" بودند، مجدداً در دامن دولت اسد انداخت، پای رقبای منطقه ئی امپریالیزم غرب را در وجود روسها، چینی ها، ایران و شیعه های پاکستان و افغانستان به حمایت از دولت اسد باز نموده، خیزش بحق و آزادیخواهانه مردم سوریه، به تقابل دو بلوک امپریالیستی مبدل گردید که هیچ یک از آنها نه در کوتاه مدت و نه هم در دراز مدت می تواند حافظ منافع مردم سوریه و بقای سوریه به مثابه یک کشور باشد.

حال که موضع این قلم در قبال دولت اسد روشن گردید می پردازیم، به آنچه باعث گردیده تا صف آرائی جدید حتا با قبول جنگ اتمی و نابودی بشریت به میان آید.

امریکا چه می خواهد، و ترمپ به دنبال چیست؟

وقتی در اخیر سال ۲۰۱۶، ترمپ در انتخابات پیروز اعلام گردید، در همان زمان نوشتیم که به قدرت رسیدن ترمپ یک نوع کودتای درون طبقاتی در درون طبقه حاکمه امریکا است. در همان زمان نگاشتم که قشر سیاستمداران امریکا این شکست شان را از قشر صاحبان سرمایه با آسانی نپذیرفته، تلاش خواهند نمود تا به هر بهانه ممکن، سیاست های جنگ طلبانه ای را که از دهه ۹۰ قرن گذشته در پیش گرفته اند، قدم به قدم تعقیب نمایند. نگاشتم که برای رسیدن به این هدف آنها بدون انقطاع ترمپ را زیر فشار قرار داده وی را وادار به عقب نشینی از موضع خودش و تعقیب سیاست های جنگ طلبانه جناح نظامی سرمایه خواهند ساخت.

همه شاهدیم که این پیشبینی تقریباً بدون وقفه صحتش را با گذشت هر روز به اثبات رسانیده، با برافراشته نگهداشتن شمشیر داموکلس "دخالت روسیه در انتخابات امریکا" بر گردن شخص ترمپ، ضمن اخراج روزانه دوستان و یاران دوران انتخاباتی اش از کاخ سفید- بیش از ۳۰ نفر- و تقرر منفورترین جنگ طلبان در جامعه امریکا به جای آنها، خودش را نیز وادار سازند تا به ساز آنها رقصیده، دامنه جنگ را هر چه بیشتر گسترش دهد.

در چنین فضائی ترمپ به منظور تحقق یکی از شعارهای انتخاباتی اش که حمایت از صنایع داخلی امریکا با ایجاد تعرفه های گمرکی بلند برای واردات بود، خواست تا با دادن رشوت به روسیه در مورد سوریه و خاورمیانه، در واقع در کنار حفظ مواضع نظامی اش در افغانستان و خاور، به جنگ اقتصادی با چین و اتحادیه اروپا برود، از همین رو اعلام داشت که می خواهد نیروهایش را از سوریه خارج نموده، بگذارد تا دیگران در آنجا بخت شان را بیازمایند. اعلام این سیاست چیزی نبود که سیاستمداران امریکا با آن موافق باشند از همین رو گذشته از آن که ظاهراً زیردستان ترمپ در درون کاخ سفید اما در واقعیت گردانندگان اصلی آن کاخ، خلاف مواضع رسمی رئیس جمهور برحال هر یک به نحوی بر ضرورت دوام موجودیت نیروهای امریکا در سوریه تأکید نمودند و از جانب تعدادی از سناتوران نیز پشتیبانی دریافت داشتند، به یک باره رسانه های دست اول امریکا، پای شان را در قضیه داخل نموده، جهت آماده ساختن اذهان عمومی مردم امریکا و حیره خوارانش در خارج از آن کشور، حضور نظامی امریکا در سوریه را تا سرحد یک ضرورت ارتقاء دادند.

در تحقیقی که یک تن از نویسندگان آزاد امریکائی به نام "نیک پمبرتون NICK PEMBERTON" انجام داده و مقاله اش به تاریخ ۱۰ اپریل در "counterpunch" به نشر رسیده، به ارتباط نقش رسانه چنین می نگارد:

"دونالد ترمپ تا حیوان خواندن اسد پیش رفت. اما پرونده دونالد ترمپ در منطقه چه بوده است؟ از لحاظ تاریخی وحشتناک. او اکنون به خاطر مرگ بیش از سه چهارم غیر نظامی ها در جنگ امریکا علیه داعش مسؤول است. آن چه تحت حکومت او با ما به نظر می رسد بسیار ملایم تر از زمان ترمپ بوده است غیر قابل بحث است."

برای همه رسانه هانی که از دونالد ترمپ متنفراند، پوشش (اخبار) غیر نظامی هانی که او کشته است کجاست؟ تصاویر آن کودکان کشته شده کجاست؟ اگر چیزی وجود ندارد، (پس) آن ها خواهان بی رحمی بیشتر ترمپ هستند. هفته گذشته زمانی که ترمپ خروج از سوریه را در نظر داشت، نیویورک تایمز در باره موضوع دو مقاله، هر دو هم در انتقاد از حرکت را منتشر کرد. یکی از نوشتارها مطرح می کرد که ترمپ دومین داعش را با خروج از منطقه ایجاد می کند و مقاله دیگر می گفت که ستراتیژی ترمپ "عدم پیش برد جنگ یک طرفه" بود. آیا در هر حال آن نقطه نیست؟ ما نباید هیچ علاقه ای به جنگ در سوریه داشته باشیم. واشنگتن پست هم در هفته گذشته با انتشار دو سرمقاله نسبت به جسور کردن داعش با خروج از سوریه هشدار داد. من با وحشت از یافته هایم موضوع را بیشتر دنبال کردم. سی ان ان هم تماشاچی برنامه ترک سوریه ترمپ نبود. تیتز گیج کننده ای می گفت: "آیا ولادیمیر پوتین

مشاور ارشد ترمپ در باره سوریه است؟ " بعد من به ام اس ان بی سی نگاه کردم ، که کلیپی را از هفته پیش با عنوان " ما نباید جنگ را رها کنیم " نمایش می داد. باز هم، به صورت شگفت آوری رسانه های لیبرال در مخالفت با برنامه خروج ترمپ همراه بودند. فاکس نیوز هم وضع بهتری نداشت . آن ها ادعا می کردند که ترمپ با ترک سوریه در حال اشتباه اوپاما است. من به صورت مستدل از تمام منابع پنج مورد اعتماد ترین رسانه های امریکائی را کاویدم و هیچ یک از آن ها فکری را که از برنامه خروج از سوریه رئیس جمهور حمایت کند مطرح نمی کردند. "

خوانندگان نهایت عزیز!

خوب دقت کنید در چنین فضائی که از یک جانب ترمپ وعده می دهد که نیروهایش را از سوریه بیرون می کند و از جانب دیگر رسانه های امریکائی و حتا شرکای جهانی ترمپ تلاش می ورزند تا ذهنیت ترمپ را نسبت به خروج از سوریه تغییر دهند، در سوریه گویا از گاز کیمیائی علیه مردم استفاده صورت گرفته و رسانه ها مجدداً کشف می کنند که "اسد" قاتل مردم بی پناه سوریه است و به ده ها و صدها قطعه عکس که معلوم نیست از کجا و توسط چه کسانی تهیه شده به نشر می رسد که دال بر جنایت ارتش سوریه می باشد.

در اینجا قبل از آن که به رسانه های امریکائی و چوکره های شان حتا در افغانستان گوش دهیم، چطور است یک بار وجدان خویش را قاضی ساخته از خود بپرسیم که ضرورت این امر چه بود؟ و چرا می بایست دولت اسد که در آستانه تصرف کامل غوطه و شهرک های آن است و آخرین بخش های مخالفان نیز به مقاومت شان پایان داده و حاضر شده اند در پناه حمایت روسها با خانواده های شان راهی ادلب بگردند و در کنار این پیروزی نظامی، با خروج نیروهای امریکائی دیگر ضرورتی برای ادامه جنگ باقی نمی ماند، به خودکشی نظامی و سیاسی دست زده، از گازهای کشنده کیمیائی استفاده نمایند؟

شما می توانید خود را به جای نیروهای پیروزمند "اسد" قرار دهید، با وجود دورنمای مثبتی که خروج نیروهای امریکائی نمایش می دهد و با وجود پیروزی در میدان جنگ و آماده شدن مخالفان که با گذاشتن سلاح منطقه را ترک نمایند، آیا می تواند عقل سلیمی بپذیرد که این گاز از جانب نیروهای "اسد" مورد استفاده قرار گرفته باشد؟ در یک صورت می توان جواب مثبت داد که بپذیریم "اسد" می خواهد امریکا در منطقه باقی بماند، جنگ ادامه یابد تا سوریه مطلقاً نابود گردد و خودش و خانواده اش هم به سرنوشت "قذافی" دچار گردد.

با در نظر داشت این واقعیت جای دارد باز هم اندکی به گذشته رفته، ببینیم وقتی در اپریل سال گذشته، ترمپ اعلام نمود که قصد ندارد در امور داخلی سوریه مداخله کند، چه رخ داد، در آن زمان بعد از مخالفت رسانه های رسمی و مقامات کنگره امریکا، در سوریه استفاده از گاز کیمیائی صورت گرفت و در نتیجه ترمپ به مشوره جنگسالاران حاکم بر کاخ سفید، حدود ۶۰ راکت تاماهاک بر سوریه فیر نموده ضمن وارد کردن تلفات برای یک سال دیگر در سوریه باقی ماند.

این تشابهات تاریخی می رساند، که کسانی از جانب امریکا و یا هم متحدینش در ناتو در داخل سوریه حضوردارند که وظیفه دارند هر زمانی که رئیس جمهور امریکا بخواهد نسبت به سوریه برخورد نرمتری اتخاذ کند، آنها جهت به هم زدن فضاء و ایجاد تشنج مجدد با استفاده از چند کپسول گازهای ذخیره خودشان، به میدان آمده با کشتن مردم بیگناه سوریه و با تکیه بر قدرت غیر قابل وصف رسانه های وابسته به صهیونیزم و بزرگنمایی واقعه ای که خودشان به وجود آورده اند و آن را به گردن دولت اسد انداختن، نمی گذارند تا فضاء به سمت آرامش حرکت نماید. یعنی امپریالیزم امریکا در کلیتش و جناح نظامی سرمایه به صورت خاص می خواهند به زور اسلحه و با استفاده از یک احمق سیاسی

به اهداف شان که نابودی سوریه و آن کشور را ویرانتر از حالا ساختن است، دست یابند تا نورچشمی امپریالیزم و صهیونیزم یعنی اسرائیل برای همیشه خود را در منطقه مصون احساس نماید.

و اما این که ترمپ چرا به این بازی علاقه می گیرد و چه الزاماتی وی را وادار به اتخاذ چنین تصمیم جنایتکارانه ای می سازد، مسأله ایست جداگانه که در ذیل خواهیم دید.

ترمپ که حتا پیش از اشغال چوکی ریاست جمهوری می بایست علیه اتهامات وارده مبارزه نماید، در این اواخر از دو جهت سخت زیر فشار افکار عامه و قوانین موجود در ایالات متحده آمریکا قرار دارد. بدین معنا که از یک جهت "بازرس ویژه در امور مداخله روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا" حلقه محاصره بر وی را تنگتر نموده با اخراج دختر و دامادش از کاخ سفید عملاً به وی فهماندند که نوبت خودش نزدیک شده است و از جانب دیگر ادعای داشتن رابطه جنسی با یکی از هنرپیشگان فلم های "پورنو" و برگرداندن پول حق السکوت از جانب وی و تلاشی خانه و دفتر وکیل ترمپ در همان قضیه، کارد را تا گلوی ترمپ رسانیده است، برای ترمپ جهت حفظ چوکی، چند راه بیشتر نمانده است: الف- آنچه که به هیچ صورت نمی تواند اتفاق بیفتد مگر از لحاظ تئوریک قابل طرح است، خطر را به جان خریدن از جانب ترمپ و در مقابل رسانه ها و یا یک اجتماع میلیونی مردم آمریکا، با تعقیب ستراتیژی فرار به جلو، تمام سیاستمداران و خواستهای ضد انسانی آنها را افساء نمودن و از مردم علیه کنگره به مثابه محور تمام توطئه های قشر سیاستمداران کمک خواستن است. این که چنین درخواستی چه نتیجه ای خواهد داد برمی گردد به نقش احتمالی مردم آمریکا.

ب- بسیار آرام و با متانت و بدون سروصدا و خود را به کشتن دادن و خطر را پذیرفتن، از مقامش استعفاء نموده بر میلیارد دلری که مصرف نموده و میلیارد های دیگری که در تداوم کارش تصاحب خواهد نمود، خط بطلان کشیدن. امری که باز هم از لحاظ تئوریک قابل طرح است، مگر در زمینه عمل، ترمپ فاقد آن شرافت و وجدانیست که به خاطر نجات انسانهایی که آنها را انسان نمی شمارد و کشور شان را رسماً "اشغالدانی" نامیده است، بر منافع شخصی خود پشت پای بزند.

پ- به همان شکلی که تا حال قدم به قدم در مقابل سرمایه نظامی و نفتی عقب نشینی نموده و حدود ۳۴ تن از معتمدین آنها را به کاخ سفید آورده و زمام امور آمریکا را به دست آنها سپرده است، ادامه داده به آنها این امکان و این اجازه را فراهم سازد تا ضمن احتراز از درگیری با روسیه و چین، زهر شان را امروز بر ایران فردا در کوریا و پس فردا در جای دیگری خالی نموده، ترمپ را در زیر شمشیر "مداخله روسیه" هیچ گاهی از کشتارگاه بیرون نکشند. و همان کاری را نمایند که یک ربع قرن انجام داده اند، یعنی رؤسای جمهور حاشیه دار را تحت فشار قرار دادن و کار خود را انجام دادن.

ت- آخرین راه برای ترمپ، دستور به حمله همه جانبه صادر کردن و خطر جنگ با روسیه را به امید اعلام شرایط نظامی و دور زدن کنگره و حتا کنار گذاشتن آن به جان خریدن است. این که اتخاذ چنین سیاستی در صورت پاسخ جدی روسیه، جهان را به کدام سمت خواهد کشانید زیاد به تفکر نیاز ندارد، اگر انسانی در روی کره زمین باقی ماند مطمئناً این چانس را خواهد داشت که به گفته انشتین جنگ بعدی را با چوب و چماق پیش ببرد. ادامه دارد.